

دکتر سلماسی زاده معاون دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تبریز

## مسجد جامع تبریز

«۳»

مسجد جمعه و مدرسه طالبیه - بنای مسجد جمعه کنونی که بر روی بنای مسجد سلجوقی گذارده شده در نتیجه تعمیراتی که در آن بعمل آمده از صورت ابنیه باستانی خارج و بشکل بنای جدید در آمده است که عاری از خصوصیات تاریخی می باشد. مسجد جمعه در آخر بازار در مدرسه طالبیه واقع شده است در این مدرسه چهار مسجد بنا شده که عبارتند از :

۱ - مسجدی است بس قدیمی واقع در سمت راست دالان مدرسه از در ورود طرف بازار طاقهائی است که بانی و تاریخ آن مجهول بوده و سابقاً به نام آلقاق مسجد ( مسجد پست ) معروف و فعلاً به مسجد میرزا صادق اقامت جتهد مشهور است .

۲ - مسجد کوچکی است در سمت چپ ( جنوبی ) دالان مدرسه با ستون های سنگی و طاقه های ضربی آجری که در سابق به مسجد ملا محمد حسن پیش - نماز و بعدها به نام مسجد اسماعیل خاله اوغلی معروف شده است .

۳ - مسجد جامع معروف به مسجد مجتهد که پنجره های شمالی آنها مشرف به حیاط مدرسه بوده و در سمت غربی مسجد اسماعیل خاله اوغلی واقع است .  
 ۴ - مسجدی است قدیمی که چندین دفعه تعمیر و تغییراتی در آن داده شده و با ستونهایی از سنگ کبود مجدداً بناگشته و فعلاً به مسجد حجة الاسلام معروف می باشد این مسجد در سمت غربی مسجد جامع واقع و پنجره های شمال آن به صحن مدرسه باز می شود .

**مسجد جامع** - مسجد جامع را بانی اول مجهول است و بعد از آنکه بزلزله ویران گردید توسط حسینقلی خان دنبلی مجدداً بر همان بنیان قدیم بنا شده و فعلاً مسجدیست مرتفع و دراز بطول ۶۰ متر و عرض ۱۵٫۲۰ متر که باطاقهای جنوبی آجری پوشیده است .

طول مسجد بدو قسمت تقسیم میشود :

قسمت اول که قدری کم عرض است بطول ۲۸ متر و فقط در انتهای هر طرف دو طاق کوچک بطول دو متر ساخته شده است .  
 قسمت دوم که عرضش زیاد از ۱۵ متر میباشد سی دو متر طول داشته و بواسطه دو جرز عریض و برآمده از قسمت اول مشخص میشود .

محراب در انتهای این قسمت ( عرض جنوبی واقع در هر یک از دیوارهای شرقی و غربی پنج طاق دو مرتبه بمرص ۳/۶۰ متر و بطول ۴/۶۰ متر موقع تعمیرات اوایل دوره قاجاریه ساخته شده است . در پشت دیوار شرقی این قسمت مسجد بزرگ و تاریکی با پایه ها و طاقهای ضربی آجری بنا شده که بمسجد زمستان معروف است .

در بالای مسجد جامع و همچنین در سر مدرسه کتیبه های برجسته از سنگ مرمر نصب شده که شرح تعمیرات انجام یافته در دوره قاجاریه و موقوفات مدرسه و فرمان درباب منهیات روی آن حک شده است .

در یکی از طاقهای کم عرض طرف غربی قسمت اول مسجد سنگ مرمر بطول ۱/۲۲ متر و بلندی ۱/۱۲ متر بدیوار جنوبی اطاق نصب و فرمان

جالب توجهی از شاه طهماسب اول صفوی (۹۳۰ - ۹۸۴ هجری) در دوازده سطر بخط ثلث برجسته روی آن نوشته شده است که از جنبه تاریخی حائز اهمیت بوده و متن آن بشرح زیر می باشد :

د فرمان قضا جریان شاه ستاره سپاه خاک آستانه خیر البشر مروج مذهب  
 ائمه اثنی عشر غلام امیر المؤمنین حیدر علی بن ابیطالب السلطان بن السلطان  
 ابوالمظفر شاه طهماسب بهادر خان خلد الله ملکه و سلطانة شرف نفاذ یافت آنکه  
 بنا بر ویای صالحه که در شب پنجشنبه دوازدهم شهر شبان اودئیل اثنی و سبعین  
 و تسماه حضرت حجة قائم صاحب الامر والزمان صلوات الرحمن علیه را در واقعه  
 دیدم قامت اشرف آن حضرت بلند و روی کشیده و محاسن شریف يك قبضه موی  
 محاسن و شارب خرمائی و چشم و ابروی آن حضرت سیاه و وضعی در بشرة مقدس  
 آن حضرت ظاهر بود چنانچه گویا ریاضت کشیده اند و تاج سقر لاطی قرمزی  
 دستار بر سر اشرف داشتند و جامه قلمی آجیده که ظاهراً رنگ آن نخودی بوده  
 و بالا پوش قلمی آجیده که غالباً سفید بود پوشیده بودند و چاقشور تیماج زرد در  
 پای مبارک داشتند و هیچ کس آن حضرت را نمی دید و آواز مبارک آن حضرت را با  
 آنکه بلند سخن می فرمودند غیر من کسی نمی شنید و بعد از ظهور آن حضرت  
 فی الحال من فریاد کردم و کسی نشنید و آن حضرت بعد از بیرون آمدن از دیوار  
 طاق بندی که تخمیناً طول ده ذرع بوده باشد و روی آنور آن به قبله بود و جوی که  
 پشت مبارک آن حضرت بجانب میان مغرب و قبله بود منحرف نشستند و کف  
 پایها را نزدیک یکدیگر رو برو بر وجهی که کف به کف نرسیده بود نهادند پس  
 پیش رقتم و پای راست آن حضرت را میان بند پای مبارک و جای بند چاقشور  
 بوسیدم بعد از آن حضرت برخواستند و فرمودند که این تمناها را که بخشیده بسیار  
 خوب کرده و اظهار خشنودی فرمودند که تتمه را ببخش و فرمودند که ما از  
 تو راضی ایم یا از تو راضی می شویم و بیادم نمانده از این دو عبارت کدام فرمودند  
 که روز بروز عمرت زیاد میشود و دولتت زیاد می گردد عرض کردم که چون این  
 امر مقبول شماس تتمه تمناها را بخشیدم بعد از آن حضرت غایب شد بر وجهی

که من ندانستم که چون غایب شدند لاجرم در روز پنجشنبه مذکور حسب الامر آنحضرت صلوات الله علیه تتمه تمنّوات جمیع ممالک محروسه آذربایجان و عراق و فارس و خراسان و شیروان و گیلان خصوصاً تمنای دارالضرب طلا و نقره که تا غایب بخشیده نشده بود مؤکد بلغت نامه بخشیدم و ثواب آن را بحضرات چهارده معصوم صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین هدیه کردم و ثواب این اهدا را بحضرت صاحب الامر صلوات الله علیه هدیه کردم بنا بر این باید که ابواب جمیع دارالسلطنه تبریز و شوارع ارض روم و عراق را که بمبلغ سه هزار و هشتصد و هشتاد و پنج تومان و هشتصد دینار در آن ملک جمع است از تاریخ واقعه مذکور مسدود دانسته اصلاً طلبی از هیچ آفریده ننماید و این بدعت سیئه را در آن ملک بر طرف دانند مستوفیان عظام دیوان اعلیٰ منبهد در دفاتر سنوات جمع آن را بنویسند و اسم و رسم آن را از صحایف دفاتر موجود گردانند حاکم و اکابر دارالسلطنه تبریز مضمون حکم اشرف اعلیٰ مؤکد بلغت نامه دانسته یقین دانند که هر کس از مضمون آن تجاوز نموده منبهد بهر صیغه و عنوانی که باشد از آن ابواب چیزی گیرد و هر کس که بر حقیقت آن مطلع شود معروض ندارد یزید بن معاویه علیهما اللعنه است و آن جماعت را بروجهی سیاست خواهیم فرمود که باعث عبرت دیگران گردد فمن بدله بعدها سمعنا انما اثمه علی الذین یبدلونه ان الله سمیع علیم از جوانب بر این جمله روند و از فرموده عدول نورزند فی ثالث عشر شهر شوال اودئیل اثنی عشر و سبعین و تسعمائة - کتبه علاه الدین»

\*\*\*

مسجد استاد شاگرد - این مسجد در محله میار میار و در سمت راست خیابان فردوسی واقع و در محل مسجد سلیمانیه از بناهای قدیمی که در اثر زلزله به کلی منهدم و از بین رفته ، ساخته شده است .  
بانی این بنا امیر شیخ حسن چوپان است که در سال ۷۴۲ هجری ساختمان آن تمام شده و نام پادشاهی که بکتیبه نوشته اند سلیمان از نوادگانش هلاکو بوده و چون خط قسمتی از کتیبه مسجد را خواجہ عبد الله صیرفی از خوش

نویسان و خطاطان معروف و قسمتی شاگردان نوشته لذا این مسجد بنای استاد شاگرد نامیده شدم است .

ساختمان مسجد و درودیوارهای بلند وطاقهای مقرنس آن در سیستم بنای قدیم و بشکل معابد و مساجد اوائل اسلام است و یک احتمال هم هست که بنای این مسجد قبل از علاءالدین امیر شیخ حسن مخروبه آن پابرجا بوده نهایت ایشان روی آن بناهای جدید نهاده اند مشکل ساختمان از داخل شبیه به ساختمانهای معابد خارجی است و از اینجا معلوم می شود که بنای آن بسیار قدیم است علی الظاهر بعضی آثار گچ بری و کاشی کاری هم در این مسجد بوده کتیبه هائی که خواجه عبدالله صیرفی نوشته بود بدیهی است که روی کاشی و یا گچ بری بوده که فعلا از بین رفته و کمترین آن هم باقی نیست لیکن در کتب قواریخ مسطور است دیوار های بلند و پایه های کلفت و ضخیم آن حاکی از ذوق معماران و مهندسان آن عصر است. شاه نشین ها و رواقها و راهروهای آن بشکل روضات متبرکه که عتبات ساخته شده گنبد بلند بالای آن نمونه صنعت معماران و مهندسان قرن بیستم است این مسجد صحن بسیار وسیع و حوض بزرگی در وسط آن داشت که اکنون از بین رفته مقداری از صحن وسیع آن را اداره فرهنگ تصرف نموده و در سال ۱۳۱۳ شمسی دانشسرایی برای دختران ساخته که از طرف جنوب دیوار به دیوار باین مسجد متصل است و این اشعار و تاریخ بنای دانشسرا از طرف مرحوم ملك الشعرا بهار در آجرهای کاشی به خط بسیار زیبایی در بالای درب دانشسرا مسطور است:

در همایون عهد شاهنشاه ایران پهلوی

خسرو دانش پژوه و داور کیهان خدای

شد بامر حکمت آن فرزانه دستور علم

اینچنین کاشانه فرهنگ از حکمت بیای

بهر تاریخ بنای عالیش هاتف سرود

( مجد ایراندخت ) شد تاریخ این دانشسرای

مسجد حسن پادشاه این مسجد در میدان صاحب الامر واقع است که در زمان حسن پادشاه با آجر و سنگهای مرمر و کاشیهای مرق ساخته شده بود ولی در اثر زلزله بکلی ویران گشته و بعدها مردمان خیر و نیکو کار تجدید بنا نموده اند و فعلاً فاقد خصوصیات تاریخی و صنعتی است .

مقبره سید حمزه تبریز - این بقعه که در کوی سرخاب واقع است مقبره سیدی است معروف به حمزه از اولاد امام موسی کاظم علیه السلام و از مقربین سلطان غازان . سید پس از مقتول شدن بدست مغولان در این مکان دفن شده و بعد میرزا ابوطالب وزیر آذربایجان بقعه را بنا کرده است .

این بقعه دارای حیاط بزرگی بوده با حجرات و طاقهای مخصوص برای مدرسه و اقامت طلاب که بعدها تبدیل بقبرستان شده و در حجرات کالبدها رابه امانت می گذاشتند و اخیراً به مناسبت موقوف شدن اموات از عدم مراقبت قسمت عمده بناهای اطراف رو بخرابی نهاده است .

کتیبه دوم از سنگ مرمر که بزرگترین آن سه کتیبه است در بالای در شمالی مسجد جامع روجه طرف شمال بدیوار نصب شده است مشتمل بر فرمانی است از شاه سلطان حسین صفوی و کاتب آن محمد مؤمن تبریزی است در پانزده سطر بخط ثلث بسیار عالی و زیبا در شوال سال هزار و یکصد و شش هجری قمری حکاکی شده طول این سنگ در حدود یک متر و نیم و عرض آن یک متر و چهل سانتیمتر است در این فرمان از طرف شاه سلطان حسین صفوی برستم خان سالار سپه و بیگلربیگی آذربایجان امر اکید صادر شده که قمارخانه ها و قاحشه خانه ها و چرس فروشی ها را ببندند و عایداتی که از این ممر بدولت میشد لغو و موقوف دارند و هر کس مرتکب این اعمال بشود حد شرعی در حق آنان جاری گردد و اهالی و اوباش را از کبوتر پرانی و گرگ دوانی و قوچ بازی و گاو بازی که باعث خصومت و فساد است منع کرده و مرتکب را مجازات نمایند. مضمون این کتیبه در موقع تعمیر کاری مدرسه طالبیه و مسجد جامع توسط آقای میرزا محسن ولد

محمد علی ادیب العلماء که سنگ را از محل اصلی برداشته و پائین آورده بودند خوانده شده و بدست نگارنده رسید که در در اینجا نقل میشود .

### مضمون دوم کتیبه مسجد جامع

بسم الله الرحمن الرحيم حکم جهانمطاع شاه ملايك سپاه السلطان بن السلطان ابوالمظفر شاه سلطان حسين الحسيني الموسوي الصفوي بهادرخان خلدالله ملكه و سلطانة شرف نفاذ یافت آنکه عالیجاه سالار سپه تفنگچی آقاسی و توپچی باشی و بیگلریبکی آذربایجان به شفقات بلانهایات شاهانه مفتخر و مباهی بوده بداند که چون از هنگامی که مهره انجم بر تخت زرنگار فلك آيكون سیماب نمون بدست قضا چیده و کمبیتین عاج مزین جهة تحصیل نقد سیادت کونین بنفش شش جهة گردیده و گنجور گنجینه وجود بموادی حقانیت اقتضای (قل اللهم مالک الملك تؤتی الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء وتعز من تشاء یبیدک الخیر انک علی کل شیء قدیر) درهم و دینار تمام عیار دولت اعتبار وزرده می کذابادشاهی و فرماندهی عرصه روزگار جهة این دودمان خلافت و امامت و خاندان نبوت و ولایت در مخزن درستی با کمال تردستی محفوظ و مضبوط داشته جهة ستایش این نعمت قیاس و ادای شکر این عارفه محکم اساس در این عهد سعادت مهد که عذرای دولت روزافزون در آغوش ولیلای سلطنت ابد مقرون دوش بدوش و اولین سال میمنت مانوس و اوان شکفتگی گلشن آمال عامه نفوس است همت صافی طوبیت معدلت گستر و ضمیر منیر مهر اصابت شریعت پرور بحکم آیه وافی هدایه (الذین ان مکنناهم فی الارض واقاموا الصلوة و اتوا الزکوة و امروا بالمعروف و انهوا عن المنکر) به اجرای او امر و نواهی خالق کل و خاتم انبیاء و رسل بفحوای صدق انتماء (اطیعوا الله و اطیعوا الرسول لکم تفلیحون) معطوف و معروف داشته امر عالم مطاع شرف نفاذ یافت که به مضمون بلاغت مشحون (قل انما حرم ربی الفواحش ما ظهر منها وما بطن) پرده گیان سترگ پرده نشین و شاهدان چهره نما خلوت گزین بوده بانامل عصیان نقاب بی شرمی از رخسار عفت باز نموده دامن زن آتش غضب دادار بی نیاز نکردند و ساکنان خطه ایمان و مقیمان دارالسعاده

ایقان به مضمون حقیقت نمون ( یا ایها الذین آمنوا انما الخمر والمیسر والانسباب والازلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون ) به آلت قمار دست دراز نکرده قبل از آنکه شطرنجی زور آور روزگار ایشان را مآت مآت و قیل بند حیرت هیجان و هنگام معرصات ساخته معلوم شود که آنچه برده اند باخته اند سالك طریق اجتناب بوده بهیچوجه پیرامون آن عمل شنیع نگردند و کل وجوه بیت اللطف و قمار و چرس فروشی و بوزه فروشی ممالک محروسه را که هر سال مبلغ های خطیری می شد به تخفیف تصدق فرق فرق سالی اشرف مقرر فرمودیم و در ابواب صدور اعظام و علماء اعلام و قتهاء اسلام و ثیقۀ ائمه علیحدده مؤکده به لحن ابدی وطن ستمدی که مزین و موشح به خط گوهر نثار همایون است به سلك تحریر کشیده اند می باید که آن عالیجاه بعد از شرف اطلاع بر مضمون امر مطاع لزال نافذ آفی الاقطاع والارباع مقرر دارد که در کل محال تیول همساله آن عالیجاه و امراء و حکام تابعین و ساکنین و متوطنین بقانون ازهر شریعت غرا و طریق اظهار ملت بیضاء منهج صلاح و سداد بوده مرتکب امور مذکوره نگردند و بدکاران در حضور اماناء شرع شریف و کلا تتران وریش سفیدان محلات به موجب آیه وافی هدایه ( والذین اذا قتلوا فاحشۀ او ظلموا انفسهم فاستغفروا لذنوبهم ) توبه کنند و مرتکبین محرمات مزبور را تنبیه و تأدیب نمایند و التزام باز یافته هر گاه اشتغال به آن افعال ذمیمه نمایند بر نهج شرع مطاع حد جاری و مورد مؤاخذۀ و بازخواست سازند و چنانچه احدی باعمال شنیعه دیگری مطلع گشته اعلام ننماید آن شخص را بنوعی تنبیه نمایند که موجب عبرت دیگران گردد و آن عالیجاه و امراء تابعین بعلت وجوهات مزبوره چیزی باز یافت ننموده نگذارند که آفریده ای بدان جهت دیناری طمع و توقع نماید و خلاف کننده از مزدودان درگاه الهی و محرومان شفاعت رسالت پناهی و مستحقان لعنت و نفرین ائمه طیبه صلوات الله علیهم اجمعین و ملائکه آسمان و زمین باشد اهالی اوباش را نیز از کبوتر پرانی و گرگ دوانی و نگاه داشتن گاو و قوچ و حیوانات جهه جنگ و پر خاش که باعث خصومت و عناد و موجب انواع شورش و فساد است ممنوع ساخته سد آن ابواب از لوازم شمرند دقیقه



در استحکام احکام مطاعه و اشاعت اجرای او امر شریفه فرو گذاشت ننمایند امر و احکام تایین آنعالیجاه حسبالمسطور مشارالیه هر يك درالكاء متعلق خود به موجبی که مقرر فرمودیم به عمل آورده و ازهر جوانب براین جمله روند و رقم قضا شیم معدلت مضمون را برعموم خلائق خوانده برسنگی نقش و پر درمساجد جامعه نصب نمایند و دراین ابواب قدغن دانسته هر ساله رقم مجددطلب میدارند و درعهده شناسند. تحریراً شهر شوال سنه ۱۱۰۶ است ومائة و الف من الهجرة النبویه مضمون رقم معدلت شیم فوق که زلال مایعیست از چشمه سار سلاله خاندان صفوت و کرامت بوساطت عالیجاه رستم خان سالار سپه به مزارع امید کافه عباد الله فائض و به سعی عالیقدر رفیع الشأن و منبع المکان محمد نیکبادر و نایب عالیجاه معظم الیه بر صخره صماتر سیم گردید قدتشراف بکتابها محمد مؤمن التبریزی

چهل مقاله

ص ۷۴ - ۷۵ - ۷۶ - ۷۷

### ولادت سلطان خدا بنده

ولادت نواب سکندر شان شاه خدا بنده محمد پدر شاه عباس اول در نهصد و سی و هشت روی داد و درین سال میرغیاث الدین منصور معزول از صدارت و میر معز الدین محمد اصفهانی صدر شد و هشت سال صدارت کرد و درین سال احمد بیک پور کمال وزیر اعظم شد و امیر قوام الدین جعفر ساوجی وزیر سابق در منزل تنگستانی (۲) به قتل رسید و درین سال جمعی از ازبکان بتاخت بسطام آمدند و ذوالقدر سلطان حاکم دامغان ایشان را گریزانید و درین سال عبیدخان ازبک بهرام میرزا رادرهات محصور ساخت.



فوت مولانا لسانی در نهصد و چهل و یک و قبر وی در سرخاب تبریز است.



کتیبه مسجد واقع در خارج دروازه طوقچی اصفهان برابر باغ شاهی در نهصد و پنچ هجری نوشته شده ؛ (از وقایع السنین نسخه خطی مجلس)

